

جک کرواک

اشراق در پاریس

مترجم: محمد رزایان

اشراق در بزرگراه

تاخت و تاز این شکلی تمام می‌شود^۱، همه‌چیز با این مقاله در مارس ۱۹۷۰ در اسکوائر تمام شد، مرثیه‌ای از جان مک‌کلینتک در باب زندگی و مرگ زود هنگام نویسنده‌ای که با اوجی درخشان در دهه‌ی پنجاه، کم‌کم به ورطه‌ی جنون فرو می‌رود، سردمدار نسل بیت^۲، کولی همیشه‌در سفری که در بهار آمریکایی پست‌مدرنیست‌ها، قهرمانی تمام‌عیار برای هیپی‌هایی بود که عاشقش بودند؛ جک کرواک.

در ۱۹۵۷، کرواک فقط با انتشار دومین رمانش، در جاده^۳، خود را به‌عنوان چهره‌ی اصلی نسل بیت معرفی می‌کند. در جاده روایت پرشوری است از جاده‌گردی‌های هفت‌ساله‌ی راوی در آمریکای پس از جنگ، کتاب مقدسی برای نسل تازه‌ای از فراری‌های مک‌کارتیسم و سروصدای شومن‌های تلویزیون و شعارهای انجیلی سیاست‌مداران محافظه‌کار.

با موفقیت در جاده، کرواک فقط یک دهه فرصت داشت تا از او به‌عنوان یکی از پرکارترین و تأثیرگذارترین پست‌مدرنیست‌های آمریکایی نام ببرند؛ بت‌واره‌ی جوانک‌های فراری و دیوانه‌ی منتقد‌های کلاسیک. کم نبودند منتقد‌هایی همچون

1. This is How the Ride Ends; Jack McClintock, Esquire (March 1970)
2. Beat Generation
3. On The Road

سنول مآلوف، که در دوم می ۱۹۶۵ به مناسبت انتشار فرشتگان خرابات^۱ در نیویورک تایمز مقاله‌ی مفصلی دارد برای جا انداختن ایده‌ی زوال نثر کرواکی و بعد، چارلز پور در همان نیویورک تایمز ادعا می‌کند فرشتگان خرابات یک کاردستی از فرهنگی منسوخ است.

کرواک فقط چهل و سه ساله بود و اعتیادش به الکل روزبه‌روز بیشتر می‌شد. در این شرایط، او تصمیم می‌گیرد قدم روبه‌جلوی دیگری بردارد؛ سفر به پاریس، در جولای همان سال، به‌هوای کاهش زهر منتقدها و به‌بهانه‌ی جست‌وجوی رگ‌وریشه‌ی فرانسوی‌اش، وسط دایرة‌المعارف‌های کتابخانه‌های پاریس و پرس‌وجو از محلی‌های بریتانی.

پارانویا به بالاترین حدش می‌رسد. بعد از یک هفته، ۱۵۰۰ دلارش را در بارها خرج کرده بود و چندتا از اقوامش را با توهم اینکه قصد کشتنش را دارند کتک زده بود و شب‌ها از مستی در کلیساها خوابش می‌برد.

اشراق در پاریس سفرنامه‌ای است از نویسنده‌ای که هوای اودیه‌شدن دارد و هم‌زمان می‌تواند پروازش را در توالست فرودگاه از دست بدهد. از کتابخانه‌های پاریس به‌خاطر ممنوعیت سیگار کشیدن متنفر است. خودش را تحویل پلیس می‌دهد تا جایی برای خواب داشته باشد. در اینجا کرواک از اسم خودش استفاده می‌کند. تلاشی برای مخفی‌کاری نیست. تجربه‌ی ستوری یا اشراقی‌آنی برای او در چنین لحظاتی اتفاق می‌افتد.

در سپتامبر ۱۹۶۶، تنها همراه جک، مادرش، دچار سکتته‌ی مغزی می‌شود؛ درحالی‌که او هم‌زمان در یکی از بارهای محل مست کرده بود. استلا سمپاس، خواهر یکی از رفقای جک تنها کسی است که به آن‌ها رسیدگی می‌کند. یک ماه بعد، جک برای بار سوم، این بار با استلا ازدواج می‌کند. استلا به همه می‌گوید از

کودکی عاشق جک بوده، از همان زمان که جک ستاره‌ی تیم فوتبال بود. سه ماه بعد، آن‌ها از کیپ‌کود به زادگاه جک، لوول^۱ ماساچوست برمی‌گردند؛ جایی که بنابه قوانین ایالتی، پلیس با الکلی‌ها مشکل خاصی ندارد. داستان دوم این کتاب آخرین نوشته‌ی کرواک است؛ پیک. پیک در این شرایط نوشته می‌شود: اشراق در پاریس مسیر انتقادات را تغییر نداده، الکل کبد و معده‌ی جک را تا نابودی کشانده، مادر جک بعد از سگته فلج شده، جک از اطرافیانش بریده و در آخرین مصاحبه‌ی زنده‌اش حتی به آلن گینزبرگ هم بدویراه می‌گوید و گاهی شب‌ها فکر می‌کند استلا می‌خواهد مسموش کند.

هم‌زمان دختری به اسم ژانت میشل ادعا می‌کند دختر اوست. و در آخر اینکه نیل کسیدی می‌میرد؛ کسی که در جاده، با محوریت شخصیت او شکل گرفت. نیل در مکزیک با مواد اوردوز می‌کند؛ اما جک تا مدت‌ها این اتفاق را باور نمی‌کند.

تیموتی هانت در کتابی به نام جاده‌ی منحرف کرواک^۲ این فرضیه را پیش می‌کشد که داستان پیک احتمالاً بخشی از نسخه‌ی اول در جاده باشد. او به نامه‌ای اشاره می‌کند که در ۱۹۵۰ بین کرواک و شخصی به نام آن لوسی نوشته شده، که در آن کرواک از ایده‌ی رمان جدیدش برای لوسی می‌گوید؛ پسرک سیاهپوستی که از دهاتشان با کمک برادرش وارد دنیایی از جاده‌ها می‌شود.

انتشار در جاده با هفت سال تأخیر همراه است و بعید نیست پیک بازنویسی یکی از همین طرح‌ها باشد؛ اما نکته‌ی اصلی در اینجا شکل درخشانی از اجرای عروض بداهه‌ی باپ^۳ است؛ اصطلاحی که ابداع خود کرواک بود، به تأثیر از بداهه‌نوازی‌های جز محله‌ی هارلم نیویورک، با جمله‌بندی‌هایی به ظاهر بی‌هدف، طولانی، و تعلل در نتیجه‌گیری، فرمی از بی‌تعهدی به ژانر به نفع وابستگی متن به موسیقی تلویحی آن.

ظهر بیستم اکتبر ۱۹۶۹، جک جلوی تلویزیون خوابش برده بود که خونریزی

1. lowell

2. Kerouac's Crooked Road; Timothy Hunt

3. Spontaneous Bop Prosody